اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت هشتاد و دو)

آخر الزمان (قسمت بیستم)

دفع کردن دیوها (بخش شانزدهم)

شرایط گلخانه ای (قسمت هشتم)

انسان با پیشرفت تکنولوژی، در دستاوردهای خود غرق میشود و مجبور میشود وارد شرایط گلخانه ای شود. شرایط گلخانه ای برای انسان چه از نظر روانی و چه از نظر محیط زیستی پیش خواهد آمد و این غیر قابل اجتناب است و فقط تنها راه چاره این است که این شرایط گلخانه ای را به نیک ترین وجه مدیریت کند و با عمل به دستورات خدای رحمان، از اثرات سوء آن بکاهد. علت ایجاد این مشکل، بخاطر وجود اصل تکنولوژی نیست، بلکه از آنجا که انسان قرینی به نام شیطان دارد؛ هیچوقت نمیتواند کاملا صحیح و بهینه از تکنولوژی استفاده نماید و در استفاده از تکنولوژی دچار افراط و تفریط میشود و خیلی مواقع از آن سوء استفاده میکند و

محیط خود و دیگران را به خطر می اندازد. در شرایط گلخانه ای برای سرعت بخشیدن به تولید و برای از بین بردن آفتها، از مواد شیمیایی مضرّ هم استفاده میشود. انسان برای راحتی کار خودش از مواد شیمیایی جدید به طور مفرط استفاده میکند، نمونه آن سوء استفاده از کودهای شیمیایی در کشاورزی و سایر تولیدات دیگر است. انسانها صبر و حوصله کافی ندارند و در این مورد به طور مفرط از مواد و داروهای شیمیایی استفاده میکنند و محیط خویش و دیگران را به خطر می اندازند. انسان با استفاده ناصحیح از مواد شیمیایی ، محصول بیشتری در زمان کمتری تولید میکند، ولی چند برابر این محصول، خرج دارو و درمان بیماریهای حاصل از مصرف این محصولات میشود. انسان بعضی مواقع محاسبات ساده ریاضی را هم نمیخواهد بداند و یا نمی خواهد ببیند و سود کلی جامعه را در نظر نمی گیرد و فقط سود خودش را در نظر دارد. خیلی واضح است که چنین فردی، پندار نیکی پشت این قضیه بکار نمی برد. خدای مهربان تعاون و همکاری را به افراد پیشنهاد میدهد (تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ) **و از مردم میخواهد که در کردارشان، سود کلی جامعه را در نظر داشته باشند و نه فقط سود فردی. اما اکنون بیشتر افراد و کارخانه های تولید محصولات غذایی و غیر غذایی، دنبال فروش بیشتر و پول بیشتر هستند. کلا در سیستم گلخانه ای ، بیشتر مواقع پندارها خالص نیستند. در حالی که نزد خدا، یک مثقال خوبی و بدی هم گم نمیشود. نزد خدا هیچ پندار و کرداری بی نتیجه نیست و گم نمیشود.**

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾
پس هر که هموزن ذره ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (٧)

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾
و هر که هموزن ذره ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (٨)

این مورد فقط مربوط به شرایط گلخانه ای در محیط زیست و تولید نیست، بلکه کسانی که هم بیمار میشوند، سعی دارند که با داروهای شیمیایی ، روند بهبود خود را تسریع بخشند؛ غافل از اینکه بهبودی ای که صبر در آن نباشد؛ اسمش بهبودی نیست و فقط یک مُسَکِن موقت است. حتی بهبود تدریجی یک بیماری بسیار بهتر و کاراتر از بهبود سریع آن است. انسانها در بهبود تدریجی بیماری و یا تولید تدریجی یک محصول، درس زندگی می آموزند و بیشتر قدر سلامتی خود و نعمتهای دیگر را میدانند. به همین خاطر بکاربردن صبر و شکیبایی و زمان در کلیه مراحل زندگی، مهمترین عامل خوشبختی و رضایت انسانهاست. قمار بازی به این خاطر خطرناک است که یهویی چیزی را از دست میدهی و یا یهویی پول کلانی بدست میاوری و صبر در آن وجود ندارد. عدم صبر در یک کردار و یا پندار، نتیجه ای مناسب نخواهد داشت و انسان نتیجه ای از آن نمی گیرد. وقتی انسانها درآمدی کسب کنند، باید یک دهم آن را به نیازمندان دهند و اما اگر پول کلانی همچون جایزه ، گنج و یا هر غنیمت دیگری بدست آورند، باید دو برابر زکات یعنی خمس آن را بپردازند. پیامبر ابراهیم

یک دهم درآمدش را به عنوان زکات می پرداخت. همانطور که در تورات این مورد صریحا ذکر شده است.

سفر پیدایش، ۱۴:۲۰

و مبارک باد نام مبارک خدا، او که دشمنانت را زیر دستان تو قرار داد و ابراهیم یک دهم اموالش را بخاطر خدا می بخشید

مقدار زکات یک دهم است و مقدار خمس دو برابر زکات یعنی یک پنجم تعیین شده است. در این مورد، صبر نقش مهمی دارد. خمس مربوط به هر درآمدی نیست و بلکه مربوط به درآمدهایی است که افراد به یکباره درآمد زیادی (همچون گنج، جایزه و ...) کسب میکنند و این فاقد معیار صبر است. بنابراین خدای حکیم برای پاکیزه کردن این پول و دادن چاشنی صبر به آن؛ به ایمانداران دستور می فرماید که خمس آن را به مستحقین و نیازمندان مشخص شده در آیه بدهند.

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۴۱﴾

و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید يك پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی [حق از باطل] روزی که آن دو گروه با هم روبرو شدند نازل کردیم ایمان آورده اید و خدا بر هر چیزی تواناست (۴۱)

کسانی که وارد بهشت میشوند، فرشتگان به آنان سلام میکنند و پاداش بهشت را بخاطر بکارگیری صبر و شکیبایی به آنان تبریک میگویند. و به آنان می گویند درود بر شما به پاداش آنچه صبر کردید راستی چه نیکوست فرجام آن سرای.

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿۲۳﴾

[همان] بهشتهای عدن که آنان با پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان که درستکارند در آن داخل می شوند و فرشتگان از هر دری بر آنان درمی آیند (۲۳)

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ﴿۲۴﴾

[و به آنان می گویند] درود بر شما به [پاداش] آنچه صبر کردید راستی چه نیکوست فرجام آن سرای (۲۴)

از آیه ۲۴ ام نتیجه میگیریم که عاقبت زندگی خوب (فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ **) در هر جایی چه زمین و چه بهشت، بخاطر بکارگیری صبر است. آدمیان در بدست آوردن هر چیزی عجول هستند و میخواهند هر چیزی را همان لحظه بطور کامل بدست آورند. عشق که یک مفهوم شیطانی است؛ بر مبنای عدم صبر و عجله بنا شده است. در حالی که رابطه بین زوجین به مرور زمان بدست می آید و مودت و رحمت هیچوقت همان لحظه اول زندگی مشترک بطور کامل فراهم نیست؛ ولی بیشتر مردم فریب عشق را میخورند و به یک نوع بیماری روانی خیلی مسری به نام "*همین الان تعلق و عشق کامل میخواهم*" دچار میشوند. انسان عجول است (**خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ**)، زیرا او**

همیشه دنبال کامل بودن است و در نتیجه همه چیز را کامل و ایده آل میخواهد. صبر و عجله مخالف هم هستند. انسان از عجله ساخته شده است و در نتیجه صبر این خاصیت منفی او را تصحیح میکند. بدون صبر، انسان ساخته نمیشود. مفاهیم عشق، مفاهیم شرایط گلخانه ای بر اساس عجله بنا شده اند. به همین خاطر عشق یک مفهوم شیطانی است و در قاموس کتاب خدا جایی ندارد. آنچه که خدا از آن صحبت میکند، مودت و رحمت است که این مودت و رحمت طی یک فرآیند و به مرور زمان وتدریجی و مبتنی بر صبر بین زوجین بوجود میاید.

شعراء خیلی زیاد از کلمه عشق در نوشته هایشان استفاده میکنند. در حالی که کلمه عشق در ادبیات عرب وجود دارد، ولی خدا در قرآن از آن استفاده نفرموده است. زبان عربی دارای کلمات زیادی است ولی قرآن از تعداد محدودی از این کلمات عربی استفاده فرموده است. قرآن با زبان بسیار ساده ای بیان شده است و از تعداد کلمات محدودی استفاده شده است. شما خودتان یک کتاب عربی را میتوانید با متن قرآن مقایسه کنید. متن قرآن بسیار ساده تر و قابل فهمتر از کتابهای دیگر عربی است. حتی میتوان یک زبان ساده و قابل فهم از لغات قرآن استخراج کرد که برای یادگیری بسیار ساده تر و قابل فهمتر است. قرآن با زبان عربی مبین نازل شده است (بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿١٩٥﴾ به زبان عربی روشن (١٩٥))**. عربی روشن بسیار ساده تر و خلاصه تر از زبان عربی است. فرهنگ لغات عربی مبین بسیار حجمش کمتر از زبان عربی است.**

برای یادگیری قرآن ، نیازی به حفظ تمام لغات فرهنگ لغات عربی نیست. بلکه قرآن شامل لغات و ریشه های بسیار محدودتری از زبان عربی است و برای فهم قرآن، نیازی به یادگیری لغات دیگر نیست و این خیلی از وقت و زمان یادگیری می کاهد.

کلا نظام رحمانی براساس صبر و شکیبایی کار میکند و بدون صبر نمیتوان از این نظام بهره برد و نمیتوان بدون صبر، به مرحله رضایت رسید. سلامتی جسمی ، خوشبختی، رضایت از زندگی ، مودت و رحمت بین زوجین و خانواده ها بر این اصل استوار است. حتی تمام مشاجرات بین زن و شوهرها از این نکته ناشی میشوند که آنان همه چیز را آنی و همان موقع میخواهند و این انتظار خودخواهانه مثل استفاده داروهای شیمیایی و سریع السیراست که ظاهرا زود جواب! میدهد ولی در دراز مدت افراد را ویران میکند و راضی کننده نیست. خدای رحمان کلمات قرآن را بسیار دقیق بیان میدارد و بطور دقیق و هدف دار از کلمه شیطانی "عشق" در قرآن استفاده نفرموده است. این مورد در قسمتهای قبلی جادوی شیاطین اثبات شد. اما ما انسانها در هیچ چیزی کامل نیستیم و در نوشتارهای خود دچار افراط و تفریط میشویم. وقتی خدا می فرماید که قرآن کتاب کامل و مفصلی است و از هر گونه مثالی در آن زده شده است، باید به حرف آن خالق یکتا ایمان آوریم و ذهن خویش را به فقط کلام خدا در قرآن بسپاریم و تسلیم کلام خدا شویم و به حزب بازی و فرقه گرائی متمایل نشویم.

وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ﴿۴۶﴾

و بر دلهایشان پوششها می نهیم تا آن را نفهمند و در گوشهایشان سنگینی [قرار می دهیم] و چون در قرآن پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی با نفرت پشت می کنند (۴۶)

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿۱۷﴾

و[لی] آنان که خود را از طاغوت به دور می دارند تا مبادا او را بپرستند و به سوی خدا بازگشته اند آنان را مژده باد پس بشارت ده به آن بندگان من که (۱۷)

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۱۸﴾

به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان (۱۸)

خدای رحمان، چهارمین رکن چرخه نیک را توصیه به صبر قرارداده است.

۱- پندار نیک

۲-کردار نیک

۳-گفتار نیک

۴-گفتار صبر

وَالْعَصْرِ ﴿۱﴾ سوگند به عصر [دوره زمانی] (۱)

إِن ٱلْإِنسَـٰنَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ که واقعا انسان دستخوش زیان است (۲)

إِلَّا الَّذِين آمَنوا وَعَمِلُوا ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾
مگر کسانی که ایمان آورده (پندار نیک) و کارهای نیک کرده (کردار نیک) و همدیگر را به حق سفارش (گفتار نیک) و به شکیبایی توصیه (گفتار صبر)کرده اند (۳)

از این به بعد، از عبارت "چرخه نیک" به جای عبارت "چرخه رحمانی" استفاده میشود. اگر گفتار صبر نباشد، در آنصورت از چرخه نیک (چرخه رحمانی) خارج شده و به بیراهه میرویم. خدای مهربان در سوره العصر وقتی از صبر صحبت میکند، میفرماید وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ . **یعنی صبر باید دو طرفه باشد و همه افراد جامعه صبر بکار گیرند. آن موقع برکات و نعمات رحمانی بر روی آنان و کل جامعه میبارد ؛ و تمام مشکلات آن جامعه حل میشود. حل مشکلات برای خدا کاری ندارد، فقط کافیست افراد به حرف خدا گوش دهند و طبق دستورات خدا عمل کرده و صبر به خرج دهند. نظام رحمانی جوابگوست و در صورت صبر انسان، نتایج بطور کامل و همراه با برکات کامل بدست میاید. خورشید، ماه ، ستارگان و نظم پیچیده میان این آفریده های خدا، همه برای این است که انسانها و جنها در این نظم به چرخه نیک برگردند. اصلا اینها جزو این چرخه اند. نظم پیچیده جهان ، برای این است که انسانها بوسیله تفکر در این نظم، به چرخه نیک برگردند و خدا اینها را الکی نیافریده است. اما کسانی که به**

این نظم توجه نمی کنند و فکر میکنند این نظم تصادفی پیش آمده است؛ خدا وعده بسیار دردناکی به آنها میدهد.

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ﴿۲۷﴾

و آسمان و زمین و آنچه را که میان این دو است به باطل نیافریدیم این گمان کسانی است که کافر شده [و حق‌پوشی کرده]اند پس وای از آتش بر کسانی که کافر شده اند (۲۷)

وقتی در جامعه ای حتی یک نفر در چرخه نیک نباشد؛ در آن صورت خدا آن جامعه را نابود میکند و نسل جدیدی را جایگزین آن میکند. همانطور که قوم لوط عذاب شدند. از روی کردار و گفتار نمیتوان تشخیص داد که یک فردی در چرخه نیک است یا در چرخه بد، زیرا پندار افراد برای ما مشخص نیست.

نماز مهمترین وسیله برای ماندن در این چرخه است. طوری که برپایی نماز ، خود حاوی هر سه اصل پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک است. وقتی آگاهانه عزم و نیت می کنیم که نماز بخوانیم ، یعنی پندار و نیت نیک کرده ایم. وقتی وضو انجام میدهیم و قیام و رکوع و سجود میکنیم، یعنی حرکات و کردار نیک و زمانی که سوره فاتحه می خوانیم و خدای را ستایش می کنیم، یعنی گفتار نیک. به همین خاطر، نماز فقط گفتار نیک نیست و خدای مقدس از لغت "برپایی" (اقامه) برای نماز استفاده می فرماید. نماز خودش یک چرخه است و ماندن در چرخه نیک را استحکام می بخشد.

اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿۴۵﴾

آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد و قطعا یاد خدا بالاتر است و خدا می داند چه می کنید (۴۵)

برپایی نماز برای ماندن در چرخه نیک بسیار مهم و از ضروریات است. این نکته مهم از آیه زیر استنباط میشود.

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ﴿۵۹﴾

آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید (۵۹)

کسانی که نماز را ضایع میکنند و آن را بجا نمی آورند و از هوسها و شهوات پیروی میکنند، بزودی به مرحله غی (مخالف رشد) خواهند رسید؛ مگر اینکه دوباره توبه کرده و دوباره به چرخه نیک برگردند.

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ﴿۶۰﴾

مگر آنان که توبه کرده (توبه) و ایمان آورده (پندار نیک) و کار شایسته (کردار نیک) انجام دادند که آنان به بهشت درمی آیند و ستمی بر ایشان نخواهد رفت (۶۰)

ما باید در همه حال پندار نیک خود را به کردار نیک و در نهایت به گفتار نیک تبدیل کنیم و این چرخه نیک را بچرخانیم و با اینکار خود، از مقام قدوسی خدای رحمان پشتیبانی می کنیم و به نظام شیطانی ضربه می زنیم. توقف این چرخه خیلی خطرناک است و به افراد فشار زیادی می آورد.

گاهی بعضی افراد در روال زندگی خویش سر در گمند و نمی دانند که چکار کنند. مثلا کنترل تلویزیون دستشان است و مدام از این شبکه به آن شبکه می پرند و یا در کانالهای مجازی می چرخند و انواع کلیپها و آهنگها را گوش میدهند. دنبال یک چیزی اند که خود را تخلیه روانی کنند ولی نمیدانند چطوری پیدایش کنند. انگار یک حسی یا نیرویی به او فشار می آورد و مجبورش میکند که این قدر بی تابی کند. اینگونه فشارها از طرف نظام شرّ صورت میگیرد و هدف اصلیش هم این است که افراد را از چرخه نیک (پندار-کردار-گفتار نیک) ، به چرخه شرّ (پندار-کردار-گفتار بد) وادار و وارد کند. شیطان میخواهد که افراد وارد چرخه شرّ شوند، زیرا آنها را به عنوان هیزم در چرخه شرّ میخواهد و استفاده میکند و به این طریق انرژی افراد را می گیرد و از افراد به عنوان هیزم چرخه شرّ استفاده میکند؛ به همین خاطر جهنمیان، در جهنم هم هیزم جهنم خواهند شد. نیم ساعت نگاه کردن فیلمها و کلیپهای نامناسب، به اندازه یک روز خستگی میاورد و انرژی آدمی را بطور کامل می گیرد.

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿۱۵﴾

ولی منحرفان هیزم جهنم خواهند بود (۱۵)

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ ﴿٩٨﴾
در حقیقت شما و آنچه غیر از خدا می پرستید هیزم دوزخید شما در آن وارد خواهید شد (۹۸)

در قرآن، زن ابولهب، به عنوان حمالة الحطب **معرفی شده است. زیرا او آتش بیار معرکه بود و در چرخش سیستم شرّ از مهره های اصلی بود. غیبت کردن، سخن چینی، تجسس از صفات کسانی است که هیزم نظام شرّ هستند.**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خدای رحمتگر مهربان

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ﴿١﴾ بریده باد دو دست ابولهب و مرگ بر او باد (۱)

مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ﴿٢﴾ دارایی او و آنچه اندوخت سودش نکرد (۲)

سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ﴿٣﴾ بزودی در آتشی پرزبانه درآید (۳)

وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿٤﴾ و زنش آن هیمه کش [آتش فروز] (۴)

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ ﴿٥﴾ بر گردنش طنابی از لیف خرماست (۵)

در این سوره کوچک، دنیایی از معانی نهفته است که هر انسان آزاده ای در مقابل خدای رحمان سر فرود میاورد. دو دست ابو لهب شکسته باد؛ در اینجا منظور فقط دو

دست نیست، بلکه دست به معنای امکانات، تجهیزات، قدرت و اموال هم هست. در مورد ابولهب از امکانات، تجهیزات و اموال صحبت میشود، اما در مورد زن ابولهب، از هیزم و گردنبند صحبت میشود. هیزم در اینجا منظور خصوصیاتی است که شامل سخن چینی، غیبت، تجسس میشود و آتش معرکه ها را بیشتر میکند و بین افراد و خانواده ها اختلاف می اندازد. گردنبند هم برای زنان مثالی از وابستگی های دروغینی است که زنان برای خود درست میکنند و خود را به مادیات و زیور آلات و عملهای جراحی و خریدهای غیر ضروری وابسته میکنند و در این مورد افراط میکنند. گاهی زنان جواهر آلات زیادی میخرند ولی خودشان هیچوقت از آن استفاده نمی کنند و این زیور آلات در چرخه نیک هیچ استفاده ای ندارند. اینها نوعی طوق و زنجیر است که آیه فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ ﴿۵﴾ بر گردنش طنابی از لیف خرماست (۵) به این موضوع اشاره دارد.

شیطان افراد را به خاطر انرژیشان می خواهد؛ افراد با رفتن در چرخه شرّ، انرژیشان را به شیطان تقدیم میکنند و نظام شرّ قوی تر میشود. طبق چرخه نیک زندگی کردن، نفس آدمی را رشد میدهد و طبق چرخه شرّ، نفس آدمی را آلوده میکند. نفسهای آلوده هیزم جهنم خواهند شد. صبر مهمترین محافظ این چرخه است. اما سوالی که ممکن است پیش آید این است که مگر همزاد شیطانی انسان میتواند به آدمی اینقدر فشار آورد؟ چطوری؟

همه ماجرا از پندار بد و گرایش به آن شروع میشود. وقتی ما پندار بدی را بر گزینیم و یا به آن گرایش داشته باشیم؛ به همزاد شیطانی خویش اجازه داده ایم که برای ما

تصمیم گیری کند و او در این مورد از ما قوی تر میشود و نفس ما ضعیفتر از او. بنابراین میتواند از نظر روانی فشار وارد کند. پندار بد بر روان آدمی سنگینی میکند و به همین خاطر افراد مدام دنبال این آهنگ و آن فیلم و فلان کلیپ و غیره هستند؛ تا که با یکی جذب شوند و در تور بیفتند. در تور افتادن یعنی چرخه نیک متوقف شده است. توقف چرخه به معنای ضعف انسان و در نتیجه به تور شیطان افتادن است. بعد از این مرحله شیطان سعی دارد که فرد را وارد چرخه شرّ (پندار-کردار-گفتار بد) کند.

وقتی افراد بنا به پندار بدی که اتخاذ میکنند، در طول روز صفات شیطانی حسد، طمع، چشم چرانی، غیبت ، تجسس، افراط و تفریط و غش در معامله و دروغ و ... بکار میبرند؛ یک باج به همدم شیطانی خویش داده اند و نقطه ضعف خود را به او اعلام کرده اند. این نکته خیلی مهم است که یادآوری شود؛ همدم شیطانی انسان، پندارهای شرّ و نیک او را متوجه میشود. هر چند فقط خدای قادر متعال از پندارهای قلبی افراد خبر دارد. اما وقتی پندار از قلب انسان به سطح خیال، فکر، اندیشه و حسهای انسان و یا حافظه خطور کند، در آن صورت، همزاد جنی و یا شیطانی ما آن را متوجه میشود. بنابراین در صورت بروز صفات شیطانی در انسان، همدم شیطانی از انسان باج میخواهد و به انسان بدپندار فشار میاورد که وارد چرخه شرّ شود و چرخه نیک خود را متوقف کند. و گاهی افراد مجبور میشوند که این فشار را با روشهای نامناسب، مثل ویوی کلیپهای نامناسب، خریدهای الکی، افراط در ورزش و تفریح، خوردن زیاد و ... تخلیه کنند. در حالی که خدای مهربان، استراتژی صبر را در مقابل این نوع فشارها

پیشنهاد و نصیحت میکند. با آمدن به چرخه نیک، انسان از یوغ این فشارها آزاد میشود. سیستم شرّ به انسانها فشار می آورد و انسان در مقابل این سیستم شرّ دو راه دارد. یا اینکه صبر به خرج دهد و یا اینکه بی تابی و عجله کند. که اگر اولی را انتخاب کند، برای همیشه از دست این فشارها نجات می یابد. هر چند که صبر در اوایل، همراه با سختی هایی خواهد بود. باید بدانیم که در جهنم؛ نه صبر کار ساز است و نه بی تابی کردن. این قسمت از آیه به این موضوع اشاره می فرماید: (سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجَزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا چه بی تابی کنیم چه صبر نماییم برای ما یکسان است) **. هر چند این موضوع مربوط به جهنم است، اما در چرخه بد هم چنین موضوعی تا حد زیادی در این دنیا صدق میکند. کلا چرخه بد، شباهت زیادی به جهنم دارد. به همین خاطر کسانی که چرخه بد و شرّ را انتخاب میکنند، به جهنم میروند.**

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجَزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ ﴿۲۱﴾

و همگی در برابر خدا ظاهر می شوند پس ناتوانان به گردنکشان می گویند ما پیروان شما بودیم آیا چیزی از عذاب خدا را از ما دور می کنید می گویند اگر خدا ما را هدایت کرده بود قطعا شما را هدایت میکردیم چه بی تابی کنیم چه صبر نماییم برای ما یکسان است ما را راه گریزی نیست (۲۱)

بعضی افراد، نمیتوانند جلوی دهانشان را بگیرند و خود را آدمهای رُکی بحساب میاورند و هر گونه هتک و سخن غیبتی را به زبان می آورند و البته در خیال خود آن را گفتار نیک می نامند. اما اینکار آنان بخاطر فشار همزاد شیطانی شان است. زیرا

چرخه نیک آنان متوقف شده است و در نتیجه اختیار کامل روان خویش را ندارند. اگر برای خود چرخه نیک نداشته باشید و پندارهای نیک خویش را به کردار و گفتار نیک تبدیل نکنید؛ یعنی چرخه نیک روان تو از چرخش ایستاده است و در نتیجه اینبار همزاد شیطانی تو ، **تو را می چرخاند** و به همین خاطر نمیدانید چکار کنید با خودت و سردر گمی.

یک نکته ای بگویم که جالب است. همانطور که رفتن از چرخه بد، به چرخه نیک؛ تلاش و توبه و انابه لازم دارد؛ رفتن از چرخه نیک به بد هم برای آدمیان خیلی سخت است. بعضی افراد نمی توانند و حتی نمیدانند چطوری بعضی گناهان را انجام دهند و حتی برای رسیدن به بعضی گناهان و آزمایش آن، تمام تلاش خود را میکنند ولی موفق نمیشوند. به همین خاطر شیطان، برای اینکار سعی دارد که آدمیان را در نماز و سایر عبادات دچار ریا و تظاهر و سهل انگاری کند و در نتیجه آنان را از سوراخ دیگری از چرخه نیک خارج کند. کسانی که مشروب الکلی و مخدرات مصرف میکنند؛ اقرار میکنند که برای اولین بار اقدام به این کار خیلی سخت بود. بنابراین حتی گرایش از چرخه نیک ، به بد نیاز به تلاش دارد و انسان برای اینکار باید عذاب وجدان و نفس لوامه را رد کند. به همین خاطر خدای حکیم، کفر بعد از ایمان را سخت کیفر میدهد. زیرا افراد برای رفتن به چرخه شرّ تلاش زیادی کرده اند و آنان یهویی و تصادفی دچار کردار و گفتار بد نشده اند؛ بلکه در این راه تلاش و سعی هم کرده اند.

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۰۶﴾

هر کس پس از ایمان آوردن خود به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آن کس که مجبور شده و[لی] قلبش به ایمان اطمینان دارد لیکن هر که سینه اش به کفر گشاده گردد خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود (۱۰۶)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمُ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿۱۰۷﴾

زیرا آنان زندگی دنیا را بر آخرت برتری دادند و [هم] اینکه خدا گروه کافران را هدایت نمی کند (۱۰۷)

أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿۱۰۸﴾

آنان کسانی اند که خدا بر دلها و گوش و دیدگانشان مهر نهاده و آنان خود غافلانند (۱۰۸)

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿۱۰۹﴾

شك نيست كه آنها در آخرت همان زیانکارانند (۱۰۹)

مخدرات با انواع مختلفش (مشروب الکلی، مخدرات، اشعار، تعصبات قبیله ای و مذهبی، فیلمهای توهمی، آهنگهای آلفایی و ...) رفتن از چرخه نیک به شرّ را برای افراد خیلی راحتتر میکند. خدای رحمان و رحیم خیلی بخشنده و خیرخواه ماست و بی دلیل چیزی را منع نمیکند.

رفتن از چرخه نیک به شرّ نیاز به تلاش و انرژی دارد و به همین خاطر بعضی ها نمی توانند بسادگی وارد چرخه شرّ شوند و شیطان این موضوع را میداند؛ به همین خاطر شیطان از ابزارها و روشهای خاصی مثل مخدرات، اشعار، آهنگها، تعصبات مذهبی و

قبیله ای برای این کار استفاده میکند. خیلی سخت است که انسانی، انسان دیگر را بکشد؛ اما گروههای داعش و امثالهم براحتی این کار را میکنند. این قضیه فقط وقتی امکان پذیر است که مخدرات و یا تعصبات قبیله ای و مذهبی در ذهن افراد نفوذ کند و عقلشان را بپوشاند.

مردم زمانه ما دیگر پندارها را در نظر نمی گیرند. مثلا به همدیگر می گویند لبخند بزن، هدیه بخر، لایک کن ، فالوو کن. اما اینها ممکن است که هیچ پندار نیکی پشتش نباشد و بنابراین مردم به کردار بدون پندار نیک رو می آورند و به این ترتیب در چرخه نیک نیستند و کار عبث و بیهوده ای انجام میدهند. اینها ارتباطاتی بدون معنا هستند و تلاشهایی بیفایده. در فضای مجازی، خانه های سلبریتی ها و ثروتمندان را نگاه میکنند و میگویند عجب قصری! به این طریق گفتاری بیهوده بر زبان میرانند. یا رئیسش را می بیند و بیخودی شروع میکند به تعریف کردن و دنبال او راه می افتد؛ یا بی هدف به صفحات سلبریتی ها و مدها سر میزند. بی هدفی جزو پندار نیک به حساب نمی آید. یا بعضی افراد زکات اموالشان را نمی پردازند ولی میخواهند که پولشان را چند برابر کنند. کسی که زکات پول کم را ندهد، هیچوقت زکات پولهای زیاد را نخواهد داد. اینها همگی گفتار و کردارهای بی معنایی هستند که ساخته خود انسانهاست و در نظام رحمانی در چرخه نیک قرار نمی گیرد. اصلا خدا به این خاطر به افراد می فرماید که در مدیتیشن و سُکارا نماز بجا نیاورید؛ به این خاطر است که در این حالات، پندارهایی به افراد القا میشود که پندارهای بیگانه هستند و این پندارها الهام هایی هستند از طرف دنیای شیاطین. به این طریق شیاطین ، خوبی و بدی را

برای افراد باز تعریف میکنند. کسانی که به این حالات رفته اند، بعد از مدتی شروع به هذیان گویی میکنند و آنان حتی عدم سجده ابلیس به آدم، را تحسین میکنند و ابلیس را تنها موحد عالم معرفی میکنند!

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿۱۰۴﴾

[آنان] کسانی اند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می پندارند که کار خوب انجام می دهند (۱۰۴)

پندار نیک، بسیار مهم است. کردار و گفتار بدون پندار نیک، اصلا بحساب نمی آیند. حتی طبق فرموده خدای حکیم؛ پذیرایی از حجاج و آباد کردن مسجد الحرام ، در مقابل ایمان (پندار نیک)، بسیار کار ناچیز و بی اهمیتی است.

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۹﴾

آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می کند [نه این دو] نزد خدا یکسان نیستند و خدا بیدادگران را هدایت نخواهد کرد (۱۹)

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿۱۸﴾

مساجد خدا را تنها کسانی آباد می کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده (پندار نیک) و نماز برپا داشته و زکات داده و جز از خدا نترسیده اند پس امید است که اینان از راه‌یافتگان باشند (۱۸)

پیامبر ابراهیم از خدا میخواهد که طریقه زنده شدن مردگان را ببیند. خدا از ابراهیم پرسید که ای ابراهیم آیا ایمان نداری؟ (قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ). یعنی ای ابراهیم آیا در مورد زنده شدن مردگان، پندار نیک (ایمان) ندارید که این آزمایش را میخواهید؟ اما ابراهیم می گوید که ای خدای من ایمان دارم و در این مورد کاملا پندارم نیک است ولی میخواهم در این مورد به اطمینان قلبی برسم.

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَلَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۲۶۰﴾

و (یاد کن) آنگاه که ابراهیم گفت: (پروردگارا، به من نشان ده؛ چگونه مردگان را زنده می کنی؟) فرمود: (مگر ایمان نیاورده ای؟) گفت: (چرا، ولی تا دلم آرامش یابد.) فرمود: (پس، چهار پرنده برگیر، و آنها را پیش خود، ریز ریز گردان؛ سپس بر هر کوهی پاره ای از آنها را قرار ده؛ آنگاه آنها را فرا خوان، شتابان به سوی تو می آیند، و بدان که خدا توانا و حکیم است.) (۲۶۰)

پیامبرابراهیم اطمینان قلبی را بالاترین مرحله از ایمان (پندار نیک) میداند. زیرا در ایمان عادی بدون یقین، امکان لغزش است ولی اطمینان قلبی چرخه نیک را استحکام می بخشد و دیگر شیطان به سادگی دستش به بنی آدم نمیرسد و از تیررس شیاطین خارج میشود. ما انسانها پندارهای همدیگر را متوجه نمیشویم، اما شیاطین پندارهای

انسان را متوجه میشوند؛ البته شیاطین پندارهایی را متوجه میشوند که به مرحله خیال، توهم، حسادت، تفکر و حافظه رسیده باشند. پندارهای انسان از قلب منشاء می گیرد و اگر منشاء تولید پندارها یعنی قلب، اصلاح شود؛ دیگر تولید پندارهای شرّ و بد قطع میشود. پیامبر ابراهیم به همین خاطر به دنبال اطمینان قلبی بود تا دیگر اصلا پندار بد در ذهن او تولید نشود. حتی پیامبران هم معصوم از پندار بد نبوده اند و البته آنان با تلاش و کوشش و عبادت و رعایت فرامین خدای رحمان، توانستند که پندارهای بد را از خود دور کنند.

کسانی که میخواهند خدا را فریب دهند، خدا آنان را دچار مرض قلبی میکند و در آن صورت پندارهای همیشه نادرست در آنان تولید میشود و از آنجا به بعد همه چیز را چپکی می فهمند. در زمین فساد میکنند ولی به پندار منحرف خود، فکر میکنند مصلح هستند. آنها شعور خود را از دست میدهند و این تعریف جدید و واقعی بی شعوری است. طبق آیه قرآن، بی شعوری، یک نوع مرض قلبی است.

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿۹﴾
با خدا و مؤمنان نیرنگ می بازند ولی جز بر خویشتن نیرنگ نمی زنند و نمی فهمند (۹)

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿۱۰﴾
در دلهایشان مرضی است و خدا بر مرضشان افزود و به [سزای] آنچه به دروغ می گفتند عذابی دردناك [در پیش] خواهند داشت (۱۰)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿١١﴾
و چون به آنان گفته شود در زمین فساد مكنید می گویند ما خود اصلاحگریم (١١)

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾
بهوش باشید كه آنان فسادگرانند لیكن نمی فهمند (١٢)

به همین خاطر، خدا می فرماید که عبادت کنید تا به یقین برسید. یقین و اطمینان قلبی، بالاترین درجات پندار نیک هستند. زیرا تمام گناهان از پندار شرّ و بد شروع میشود. وقتی پندار محکم شود، دیگر امکان لغزش و رفتن به چرخه شرّ بسیار کم میشود.

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿٩٩﴾
و پروردگارت را پرستش كن تا اینكه یقین پیدا كنید (٩٩)

یکی از راههایی که شیطان بوسیله آن ، افراد را از چرخه نیک به سمت چرخه بد جذب میکند، گسترش آرمانهای دروغین در جامعه است. کسانی که پندار خود را به مرحله یقین و اطمینان نرسانده اند؛ بسادگی و راحتی مثل آب خوردن جذب آرمانهای دروغین جامعه میشوند. بیشتر قربانیهای چرخه شرّ از این طریق جذب میشوند. شیاطین جن و انس در حال گسترش آرمانهای دروغین در جامعه هستند و به این

طریق خیلی ها را از راه راست منحرف کرده اند. مثلا اکثریت افراد جامعه کنونی دنبال ثروت زیاد ، ماشین مدل بالا ، زن زیبا ، شوهر پولدار ، ریاست ، مقام و ... هستند. نفسهای ضعیف از آنجا که توانایی رفتن به چرخه نیک را ندارند، در نتیجه آرمانهای دروغین جامعه را باور می کنند و دنبال آن راه می افتند و تمام هم و غمشان میشود رسیدن به این آرمانهای دروغین و این راهی است که اکثریت افراد جامعه برای خود انتخاب می کنند. با انتخاب اهداف و آرمانهای دروغین، خودبخود افراد بعد از مدتی وارد ریل و تونل چرخه شرّ و بد خواهند شد. حرص و جوش ، گرفتن رشوه ، دزدی ، خیانت ، فریب در معامله ، کم فروشی ، زیر پای دیگران را خالی کردن ، آلت دست دیگران شدن و تمام صفات و رذایل اخلاقی دیگر از جنبه های اجتناب ناپذیر این راه است. امکانات کاذب و دروغین در زندگی به شما کمک نمی کند بلکه گمراه کننده هم است. هر دروغی که مرتکب شویم و یا باور میکنیم و به آن عمل می کنیم ، اتوماتیک چندین دروغ دیگر را به دنبال خواهد داشت. دروغ همیشه سخن گزاف گفتن نیست ؛ بلکه گاهی طبق موقعیتهای دروغین ، پیش رفتن است. بنابراین دروغ هم در سطح پندار ممکن است و هم در سطح کردار و گفتار ممکن است اتفاق بیفتد.

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۶۲﴾

بگو در حقیقت نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است (۱۶۲)

لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿۱۶۳﴾

[که] او را شریکی نیست و بر این [کار] دستور یافته ام و من نخستین مسلمانم (۱۶۳)

آیه بالایی می فرماید: نماز من، اعمال عبادی من، زندگی من و مرگ من، همه مطلقا به خدا اختصاص دارد، آن پروردگار عالم. در این آیه چهار رکن مهم جلب توجه می کند و آن هم عبارتند از:

۱- صلاتی ۲- نسکی ۳- محیای ۴- مماتی

این آیه، هدف اصلی زندگی ها را تعیین میکند. جالب این است که چهار عبارت کلیدی بالا ۱۹ حرف دارند و کل آیه هم ۳۸ حرف است. ۳۸ یعنی ۱۹ * ۲. هر کسی باید اهداف و آرمانهای زندگی خویش را براساس آیه بالایی تنظیم کند و به این طریق همه چیزش را به خدا اختصاص می دهد. در آیه بعدی می فرماید: لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ **هیچ شریکی برای او نیست و به این چهار رکن امر شده ام و من جزو اولین تسلیم شدگان این مورد هستم. خود پیامبر محمد جزو اولین کسانی بود که تسلیم این امر شده بود. کسی که حرفی میزند، خودش باید اولین کسی باشد که به آن عمل میکند و این همان تواصوا بالحق است. در چرخه نیک، اهداف باید مشخص باشد و اهداف غیر از این، روزی شما را از چرخه نیک خارج خواهد کرد. اهداف چرخه نیک این است که نماز، مناسک ، زندگی و مرگ فقط و فقط باید به خدای یگانه اختصاص یابد و لا غیر.**